

فلسطین، ایران، همه جا

سعید رضوی فقیه

از نشانه های اصلی صداقت در دفاع از حقوق بشر آن است که در این زمینه برخورد گزینشی نداشته باشیم و چنان نباشد که از حقوق عده ای دفاع کنیم و در برابر نقض حقوق عده ای دیگر بی تفاوت بمانیم یا آنکه فقط به نقض برخی حقوق انسانی معترض باشیم و از برابر نقض برخی دیگر خاموش بگذریم و یا آنکه یکروز فریاد حقوق بشر سر دهیم و روزی دیگر با معیارهای دیگر به تحلیل و ارزیابی حوادث و مسائل بنشینیم به گونه ای که نقض حقوق بشر از واقعیات گریز ناپذیر جهان موجود تلقی گردد. در يك کلام یا باید همیشه و همه جا و در همه ی موارد از حقوق بشر دفاع و به نقض آن اعتراض کنیم و یا آنکه اساسا در این باب ادعایی نداشته باشیم وگرنه هر وجدان بیداری حق دارد صداقت صاحب این ادعا را منکر شود.

در صحنه ی دنیای امروز که تحولات پرشتاب و پردامنه ی متعارض وضعیت پیچیده و بغرنجی را برای کلیت جامعه ی بشری رقم زده ، هر روز اتفاقاتی رخ می دهد که برگی سیاه بر کتاب تاریخ می افزاید. با آنکه دهها سال است اعلامیه ی جهانی حقوق بشر بر سینه ی هر دیوار و بلندای هر ستون دهکده ی جهانی خودنمایی می کند ، کمی این سوتر یا آن سوتر بشریت در مسلخ ستم و خشونت و نفرت و تبعیض و تجاوز دست و پا می زند و بی رحمانه قربانی می شود و افسوس در این میانه اندکند کسانی که فارغ از تعلقات رنگارنگ و تعصبات گوناگون اگر توان مقابله با همه ی موارد را ندارند دست کم به همه ی موارد اعتراض کنند یا از همه ی موارد بیزاری جویند.

اگر همه ی انسانها از آنرو که انسانند فارغ از هر ملیت ، نژاد ، رنگ ، مذهب و طبقه واجد کرامت ذاتی انسانی هستند و اگر حقوق بشر حد و مرز و شرط و تبعیض نمی شناسد پس لامحاله باید از همه ی حقوق همه ی انسانها در همه جا و در همه ی شرایط دفاع کرد. با این اوصاف نمی توان از حق تعیین سرنوشت مردم ایران بر حاکمیت خویش سخن گفت و در عین حال نسبت به همین حق برای مردم فلسطین و یا هر قوم و ملت دیگر بی اعتنا ماند. همچنانکه نمی توان سینه چاک حق مردم فلسطین بود و این حق را از مردم ایران دریغ کرد. نتیجه ی داوری در باب این دوگانگی آن است که بگوییم این موضع متفاوت یا ناشی از غفلت است و یا از سرنفاق.

اگر سرکوب بد است در همه جا و در همه شرایط بد است. سرکوب تظاهرات مردم تهران در هفدهم شهریور هزار و سیصد و پنجاه و هفت با همان منطق محکوم است که سرکوب تظاهرات آرام و مسالمت آمیز همان مردم در خرداد هزار و سیصد و هشتاد و هشت.

اگر رژیم سابق به جرم سرکوب آن محکوم است رژیم لاحق نیز با همان معیارها به جرم سرکوب این محکوم است. اگر شکنجه قبیح است در همه ی زندانها و بازداشتگاهها مشمول این قبح عقلی است ، چه در بازداشتگاههای رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی ، چه در خیام

لبنان ، چه در گوانتانامو و ابوغریب و چه در کهریزک و اوین. قبح و مذمومیت این اعمال همه از يك معیار فراگیر عقلی ناشی می شود که فراتر است از زمان و مکان و طبقه و نژاد و مذهب . حقوق بشر و آزادیها نیز ذاتی انسان و لازمه ی کرامت انسان است . همه ی انسانها بدون استثنا .

برای دفاع از حقوق بشر و برای مبارزه با نقض این حقوق نخستین درسی که باید آموخت همین نکته است. از همین رو هر مدافع راستین و بی ریای حقوق بشر باید از حقوق مردم فلسطین با جدیت و اولویت دفاع کند چرا که ماجرای فلسطین بیش از شصت سال آزمونی بزرگ برای سنجش صداقت جامعه بشری در دفاع از حقوق بشر بوده است.

شاید در هیچ کجای تاریخ و جغرافیا نقض سازماندهی شده حقوق بشر بدین درازی و گستردگی صورت نگرفته است .مردم فلسطین حقوقی دارند که با بی رمی و خشونت گستاخ در برابر چشمان ناظر اما سرد و بی تفاوت يك جهان نقض شده است .حق داشتن سرزمین، حق داشتن حاکمیت ملی، حق تعیین سر نوشت جمعی و حتی حق حیات را از این ملت مظلوم دریغ کرده اند. تمام صفحات تاریخ شصت سال گذشته این ملت به شرح فجایع تلخ ورق خوده است. دیر یاسین، کفرقاسم، تل زعتر، صبرا، شتیلا، جنین، غزه و دهها و صدها فاجعه دیگر. آیا می توان صادقانه و بی ریا مدافع حقوق بشر بود و بر این همه جنایت ارادی و آگاهانه و سازماندهی شده فریاد نکشید؟

مسئله نقض گسترده و مستمر حقوق بشر در فلسطین پیوندی نا گسستنی با مقوله بشر در ایران و هر جای دیگر این کره خاکی دارد.

اگر حاکمان امروز ایران در دفاع از حقوق مردم فلسطین صادق باشند باید اول حقوق مردم ایران را ادا کنند و اگر مخالفان این حکومت مدافع حقوق مردم ایران هستند نمی توانند بنا به ملاحظات سطحی و روز مره سیاسی نسبت به قضیه فلسطین بی تفاوت باشند.

امروز باید دیکتاتوری و جنایت و کشتار را در هر جای دنیا به یکسان و بدون تبعیض محکوم کرد. چه در ایران رخ دهد و چه در فلسطین ، چه در عراق و چه در قلب اروپا ، چه در آمریکای جنوبی یا هر کجای دیگر. بشریت حد و مرز نمی شناسد و حقوق بشر نیز هیچگونه تبعیض را بر نمی تابد. نمی توان از احتمال ساخت بمب اتم توسط حکومت ایران برای صلح جهانی اظهارنگرانی کرد و از کنار صدها و هزاران بمب اتم موجود در زرادخانه های آمریکا و انگلیس و روسیه و اسرائیل بی تفاوت گذشت. نمی توان از دستیابی جمهوری اسلامی به انرژی هسته ای انتقاد کرد و فاجعه ی هیروشیما و ناکازاکی را به فراموشی سپرد. نمی توان بر هولوکاست جنگ جهانی دوم اشک ریخت و شصت سال تداوم هولوکاست را در فلسطین با چشم باز و بی احساس نظاره گر بود . همچنانکه دو سویه ی دیگر ماجرا نمی توان برای ملت مظلوم فلسطین مرثیه خواند و ملت ایران را بی رحمانه زیر چکمه ی استبداد کشید. جنایت علیه بشریت هر وقت و هر جا و به دست هر کسی رخ دهد جنایت است و مذموم. چه در آشویتس و چه در غزه. چه در بالکان و چه در رواندا. چه به دست کا.گ.ب و گشتابو و چه به دست موساد و سی

آی یا بلك واتر. چه قتل های زنجیره ای دگر اندیشان ایرانی باشد و چه ترور های زنجیره ای رهبران مقاومت فلسطین. چه سرکوب سیاسی منتقدان باشد و چه محکوم کردن میلیونها انسان بی گناه و رنجدیده به مرگ تدریجی از سر فقر و گرسنگی. راستی هیچ با خود اندیشیده ایم سهم صدها میلیون گرسنه و برهنه و بی خانمان در آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی از ابتدایی ترین حقوق انسانی چیست؟

اگر بناست دستگیری دگرانیشان و منتقدان را محکوم کنیم نباید کسی را به عمد از قلم بیندازیم و با سکوت موسمی و فراموشی مقطعی از انجام وظیفه در برابر بعضی از قربانیان سر باز زنیم. راستی چرا دگر اندیشان عربستان سعودی را که با روش های وحشیانه قرون وسطایی حبس و شکنجه می شوند از یاد برده ایم و چرا کسی سخن از دیکتاتوری بن علی در تونس نمی گوید که حتی جرات رویای خواب و بیداری را نیز از مردم گرفته است و چرا سرکوب وحشتناک يك قوم توسط ارتش یمن محکوم نمی شود؟

جامعه بشری کلیتی یکپارچه است که نقض حقوق بشر در مورد هر يك از اعضای این جامعه بزرگ جنایتی است در حق بشریت. روا داشتن هر گونه مرزبندی یا تبعیض در این باب پایه های نظری اندیشه حقوق بشر را ویران می کند و در آن صورت شعار دفاع از این حقوق تنها به مستمسکی سیاسی برای زور آزمایی قدرت ها بدل می شود.

روز قدس را می توان و فرصتی تلقی کرد برای فریاد کشیدن بر سر همه ناقضان حقوق بشر در فلسطین و ایران و همه جا. در روز قدس می توان از ملت ستمدیده فلسطین به نام حقوق انسانی ایشان دفاع کرد. می توان قضیه فلسطین را بمتابیه نمادی از نقض آشکار و مستمر حقوق بشر شاهی گرفت بر ناعادلانه بودن مناسبات انسانی و اجتماعی در عصر ما. عصری که در آن توتالیتاریسم سرکوبگر و کاپیتالسم وحشی و افسارگسیخته حق حیات شرافتمدانه را در عرصه های سیاسی و اقتصادی از میلیاردها انسان رنج کشیده و آسیب دیده سلب کرده است.

اگر بنیانگذار جمهوری اسلامی گفت روز قدس روز اسلام است امروز اما می توان گفت روز قدس روز انسان است، روز بشر، روز دفاع از حقوق بشر. با این وصف جماعتی که در ایران با ملت خود همان کرده که صهیونیستها در سرزمینهای اشغالی با ملت فلسطین میکند دیگر نخواهد توانست سرمایه اجتماعی و سیاسی همدردی مردم شریف ایران را با ملت رنجدیده فلسطین به خزانه اعتبار رو به استهلاک خود واریز کند.

برگرفته از:

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=5774>